

نامه و نامه نگاری در

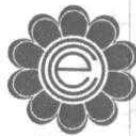
شاهنامه

جورج ییک نذری، علی محمدی خراسانی

موسسه ملی علوم جمهوری تاجیکستان

انستیتو شرق شناسی و میراث خطی

به اهتمام و ویرایش: حسن قریشی



موسسه ملی علوم



امشارات آردون

سرشناسه	: نذری، جوهر بیک، ۱۹۴۶-۲۰۲۰ م.
عنوان و نام پدیدآور	: نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه / به کوشش جوهر بیک نظری، علی محمدی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: ۲-۸۸۷-۲۳۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه- نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqassem. Shahnameh- Criticism and interpretation
برسوء	: نامه‌های فارسی - قرن ۴ ق. Persian Letters - 10 th century
شناسه افزوده	: محمدی خراسانی، علی، ۱۹۵۰
شناسه افزودن	: فریبی، حسن، ۱۳۵۰، ویراستار
رده‌بندی کنگره	: PIR / ۴۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۱ / ۲۱ فا
شماره کتابخانه ملی	: ۷۲۸ / ۸۰۸

این اثر با حمایت سازمان فرهنگ، اکو به چاپ رسیده است.



نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه

جوهر بیک نذری، علی محمدی خراسانی

به اهتمام و ویرایش: حسن قریبی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ صدف: ۵۰۰ نسخه

۵۲۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳، تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

به نام خداوند جان و خرد

فهرست مطالب

۵.....	یادداشت ویراستار
۹.....	مقدمه
۱۱.....	پیشگفتار
۲۱.....	فصل اول: نامه و نامه‌نگاری در «شاهنامه»
۲۱.....	۱- نظر اجمالی به نامه و نامه‌نگاری در فرهنگ فارسی‌زبانان
۳۱.....	۲- نامه‌های شاهنامه و آداب و هنر نامه‌نگاری فردوسی در آنها
۵۹.....	فصل دوم: محتوای نامه‌های شاهنامه
۶۰.....	۱- نامه‌های شاهان به شاهان
۷۰.....	۲- نامه‌های شاهان به پهلوانان و نامه‌های پهلوانان به شاهان
۸۴.....	۳- نامه‌های شاهان به کارداران و کاردانیان
۹۵.....	۴- نامه‌های خویشاوندان به خویشاوندان
۱۰۷.....	فصل سوم: نظری به نامه‌های شاهنامه از روی موضوع
۱۰۷.....	۱- فرمان‌نامه
۱۲۰.....	۲- فتح‌نامه و پیروزی‌نامه
۱۳۱.....	۳- صلح‌نامه و عهدنامه
۱۴۲.....	۴- احوال‌نامه
۱۵۰.....	۵- پند و اندرزنامه

خاتمه.....	۱۶۵
ضمیمه.....	۱۶۷
(نمونه‌ای چند از نامه‌های شاهنامه).....	۱۶۷
فتح‌نامه منوچهر نزد فریدون.....	۱۶۷
نامه فرستادن زال سوی سام و احوال نمودن.....	۱۶۹
نامه کاوس به رستم و خواندن او را به جنگ سهراب.....	۱۷۳
نامه نوشتن اسفندیار به گشتاسپ و پاسخ آن.....	۱۷۸
نامه نوشتن اسکندر نزد بزرگان ایران.....	۱۸۱
نامه نوشتن اسکندر به زن و دختر دارا.....	۱۸۴
پاسخ نامه اسکندر از مادر روشنگ.....	۱۸۶
اندرزنامه نوشتن بهرام به ناریردازان خود.....	۱۸۸
نامه خوشنواز به ساسانی.....	۱۹۲
نامه نوشتن نوشیروان به داران خویش.....	۱۹۴
منابع و مآخذ.....	۱۹۷

یادداشت ویراستار

روان‌شاخ جریبید، نذری، رئیس شعبه آثار قلمی تاجیکستان و رئیس پیشین انستیتوی شرق‌شناسی و میراث خطی تاجیکستان، هنرمند صاحب‌نام مردمی در عرصه موسیقی و عصر وابسته آکادمی علم‌های تاجیکستان، بدون این عنوان‌ها هم دوست خوبی بود؛ از آن دوستانه با بودنش دل آدم گرم بود.

من این دوستی را از دوستانه‌ها تا هزاران آزموده بودم، بارها و سال‌ها... خبر درگذشتش به دست کرونا ناگهانی و ناگهانی بود. عاشق ایران بود و اهل هنر و پژوهش که برای ما هم‌زبانان همین وجه اشتراک برای دوستی با او کافی بود.

به یاد محبت او به ایران و پاسداشت خصماتش، فرهنگ و زبان مشترک، با مشورت و مصلحت دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که با آن مرحوم دوستی دیرساله داشتند، بنا شد که کار انجام شود از جنس آنچه او می‌پسندید.

نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه کتابی است که جوهره‌بیک نذری آن را با دکتر علی محمدی خراسانی تألیف و در دهه هشتاد خورشیدی در تاجیکستان منتشر کرد. ابتدا به خط سیریلیک و سپس به خط فارسی برگردان شد و با مقدمه دکتر علی‌اصغر شعر دوست (سفیر وقت ایران در تاجیکستان) به تعداد محدود به نشر رسید.

از عنوان کتاب می‌توان دریافت که استاد نذری به فردوسی و شاهنامه و ایران بزرگ فرهنگی می‌اندیشید. چنان‌که در ابتدای پیشگفتار، به نقل از محمد انصار،

می‌نویسد: «بگذارید ما را کمبودی‌ها باشد، اما کوشش به‌خرج دهیم تا شاهنامه را بشناسیم و به هم‌ملتان خود بشناسانیم».

این شد که با توجه به چاپ محدود این اثر به خط فارسی در تاجیکستان، پس از مشورت با دوستان و مصلحت با خانواده آن مرحوم تصمیم به چاپ مجدد آن گرفتیم. وقتی کتاب را به استاد نازنین دکتر فتح‌الله مجتبائی، برای نظرخواهی سپردم پیش از خواندن چند دلیل آوردند که موافق طبع مجدد این کتاب بود. به گفته ایشان این آثار بخشی از تاریخ ادبیات فارسی در ایران فرهنگی است که مطالعه آن در سبب ثباتی زبان فارسی و شناساندن این قبیل تلاش‌های فرهنگی در فرارود در دوران حکومت سوری بر آن منطقه اهمیت دارد. استاد مجتبائی پس از خواندن کتاب و در دیدار بعدی گفت: «آقا، کتاب خوبی بود!» و سپس درباره نگاه تازه، تحلیل‌های متفاوت و نبود پژوهش اثر، مواردی را به آنچه پیش‌تر گفته بود افزود. با توجه به انتشار این کتاب، اوایل دوران استقلال جمهوری تاجیکستان، تأیید و تأکید بر یگانگی فرهنگی فارسی‌زبان ایرانی‌تباران منطقه و مجموعاً ایران‌دوستی منطقی تاجیکان در سراسر این اثر «اشکر» نهفته است!

و نکته دیگر اینکه هنگام خواندن نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه، چیزی که بیش از همه نظرم را جلب کرد، عنوان و تاریخ منابع آن بود که برخلاف تصور شخصی، بخش زیادی از فهرست کتابنامه، دستاورد پژوهشگران تاجیکستان سوسیالیستی و غالباً محصول دهه ۶۰ میلادی به بعد بود؛ یعنی دوران شوروی که با پیش‌فرض‌هایم در مورد قوانین سختگیرانه پژوهش‌های قومیتی در آن اتحادیه همخوانی نداشت. به خاطر رم رسید دکتر اصغر دادبه مقاله‌ای دارد با عنوان «چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را» (حافظ) که در یادنامه زنده‌یاد منوچهر مرتضوی (توفیق ه. سبحانی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۲ ش.) منتشر شده است.

دکتر دادبه در چکیده مقاله می‌نویسد: «وقتی از اشعری‌گری حافظ یا سعدی و حتی دیگر شاعران بزرگ عرفان‌گرا در ادب پارسی سخن در میان می‌آید، بجا و سزااست تا نخست به طرح این پرسش بپردازیم که: اشعری‌گری یعنی چه؟ یا اشعری‌گری دارای کدام معنا یا کدام معانی است.» وی در ادامه با استناد به دلایل

عقلی و نقلی، به ذکر تحولات فکری و عقیدتی آنها در دوره‌های تاریخی می‌پردازد و سپس وقتی صحبت از اشعری‌گری حافظ می‌شود، روشن می‌کند که حافظ به چه معنی و در کدام دوره تاریخی، پیرو آراء و اندیشه‌های اشعریون است!

نتیجه اینکه وقتی صحبت از شوروی و شوروی‌گری و حکومت تک‌حزبی آن می‌شود به این معنی نیست که از ابتدا تا انتها دولتمردان کمونیست به بیانیه حزب پایبند بودند و در طول هفتاد سال، هیچ تحولی در احوال این انقلاب روی نداده است. طبیعی است که نظام‌داران شوروی نیز، مانند سایر جریانات فکری، دچار تغییر و تحولات شدند و اینکه بخواهیم در مقام نظری، سر تا بُن آن دوره را به یک چشم بنگریم قری دور از نگرش دقیق تاریخی است. برای مثال اگر بخواهیم موضع اتحادیه جماهیر شوروی در مقابله با زبان فارسی را در دهه ۲۰ میلادی، با اواخر دهه ۵۰ و بعد از آن مقایسه کنیم قیاسی در حد کفر و ایمان است. اینکه بر آن دولت انقلابی بلشویکی (۱۹۱۷) که فارسی‌زبانان فرارود را در تنگنا قرار می‌داد، فارسی‌دانان باسواد را به سیبری تبعید می‌کرد و کتاب‌هایشان را در گلخن حمام‌ها می‌سوزاند، چه گذشت که به تدریج شاهنامه چاپ مسکو (۱۹۶۰-۱۹۷۱) از آن بیرون آمد، سؤالی است که پاسخ آن از منطق همین تحولات سیاسی، فکری و تاریخی پیروی می‌کند که این نتیجه می‌تواند محصول آزمودن مقاومت و قدرت ریشه‌دار زبان فارسی در آن منطقه، یا تغییرات راهبردی درون‌حزبی نسبت به فرهنگ فارسی‌زبانان باشد.

در پایان، ضمن درود بر روان مرحوم جوهره‌بیک نازمی، تشکر از بزرگواری دکتر علی محمدی خراسانی، از همت دوستان عزیزم دکتر روبرو آنتی، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو و آقای شهرام سلطانی، مدیر محترم انتشارات آرون، در انتشار این اثر سپاسگزاری می‌کنم.

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار باده ناخورده در رگ تاک است

حسن قریبی